

بیانیه نظامی شماره ۵
 سربداران

بیانیه قیام پنجم بهمن آمل

سربداران ایران افتخار میکنند که در چنین دورانی، دوران یورش بیرحمانه رژیم خمینی به نیروهای انقلابی و دورانی که هر روز خون دهنها رزمند، دلبر بدست جلادان این رژیم بر خاک می ریزد، و خونخواهران حاکم بر آتشند تا با کشتار وحشیانه فرزندان خلق تخمهای دردناکها بپاشند، اینچنین حماسه بزرگی را خلق کردند.

* * * *

سربداران ایران که از آغازین روز حرکت خود، سران بودند که رژیم خبیانت پشیمان را با قیام مدرشها با بدبسته گورسپرد، ما بهمن، ما قیام خونین خلق و ما بهرانندازی نظام منقطع و فرتوت شاه را برای آغاز قیام خود در شهر آمل برگزیدند. نیروهای سربداران در شب اول یک ما نور نظامی و پشت سر گذاشتن "حلقه محاصره" ای که رژیم خمینی کوشیده بود پس از شکست مفتضحانه در ۲۲ آبان به گردما بوجود آوردند. ساعت ۴/۵ صبح روز پنجم بهمن وارد آمل شده و تا ساعت ۹/۵ شب در سطح شهر مستقر گردیدند. درگیری ما با نیروهای دشمن پیش از ساعت ۱۲ آغاز شده، در ظرف مدتی کمتر از یک ساعت دلاوران سربداران ما در سطح شهر را از لوث وجود مزدوران خمینی پاک سازی کردند. تمامی گشتی ها، همه انجمن اسلامی ها و تمام لایه های فساد خائنین مدافع نظام حاکم در مدتی کوتاه بهرچیده شد و تمامی جناحینکاران به سزای خبیانت های خود رسیدند. آنها کسی که منافع و امت کردند با آتش قهر سربداران نابود شدند و آنها کسی که زنده دستگیر شدند، در دادگاه های انقلابی که برای

بقیه در صفحه ۲

"قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید"، بسدوان اعمال فهرانقلابی هیچ طبقه و ملتی نخواهد توانست حقوق باعمال شده خود را از جنگال حصاران بیرون کند. تاریخ بشریت، تاریخ جنگ طبقات و جنگ راهای خونین بین مرتجعین حاکم و رنجبران محکوم است، این روندی چون و چرا و همیشگی و همه جایی تاریخ است.

آزادی را جز در بر توت آتش ترا انقلابی، جز در بر توت و جانفشانی بی محابا و جز در سایه یورش بردن دلیرانه به کتخ ظلم و ستم دشمنان بدست آورد، با دشمنان آزادی تنها با زبان گلوله میتوان سخن گفت و برای حکم نیز تجربه اسارت و آزادی خلق ها میراث نهدنیده است.

رژیم خونخوا رو جفا بیت پشیمان خمینی، یکی از تنگنا رترین و فاسدترین رژیم های تاریخ، ریت، از آزادی کش تریستن و درنده خورترین رژیم های تاریخ، این بی مانده عفونت گرفته لاشه حصارهای قرون وسطی، این نتیجه شوم بیونند جهل و قساوت رژیم فاجرتی و فریبکاری و خود فروشی رژیم سهنوی، امروز بر سر نوشت ملت و میهن ما حاکم گشته و بدست راز هر بیگانه، سلطه گری سر مردم ما می تازد. و باسخ چنین نظامی صدمت رانی را از زبان گنونه و همت و خشم انقلابی توده نتوان داد.

قیام پنجم بهمن آمل حرکتی بود عظیم در این جهت و تجربه ای ساخت شگرف و ستبرگ برای همه آنها کسی که نمیخواهند تن به اسارت و بیردگی دهند و بر آتش که آزادی را به قیمت خون به جنگ آرند.

تعمین مسوولیت مردم با حکومت دینی سازگاری ندارد

(۲)

در شماره قبل سیرا مرن ادعای ولایت فقیه و توجیهات استان در لزوم دینی بودن حکومت سخن را ندیم و در عین بر جورد

به با بهای استدلالی و نیز با رجوع به مسئله زمین در جمهوری اسلامی، بطلان دعوی ایشان منطقی بر اینست چون اکثریت مردم مسلمان هستند حکومت با پیدای اسلامی باشد، را نشان دادیم. مقاله دیگری نیز در همین زمینه مسئله ارضی در این شماره مندرج است. حال میخواهیم پیرامون نقطه نظرات ما رکنیم - لنینیسم در برخورد به مذهب و لزوم جدا بودن دین از دولت نگاه کنیم. چندرا متذکر شویم.

بقیه در صفحه ۵

بیانیه قیام...

ما را به ضدیت با انقلاب و انقلابیون و دارند، لیکن داناتاشی و شورآزادیخواهی مردم ما پس فرا ترا ز آنست که حربه های بوسیده و زنگ زده، این بقایای جهل و فساد قرون وسطایی در آن ذره ای کارگزارند، و این همه را قیام منجم بهمین آمل بروشنی روز نشان داد، شور و دلدادگی مردم قهرمان نسبت به فرزندان سربداران و ایستادگی و فداکاری دلاوران سربدار درآه این مردم محنه های آفرید که تاریخ ما برای همیشه آنها را ثبت خواهد کرد. مردم دلاور آمل از همان لحظات آغاز، یک شبکه خبررسانی برای ما تشکیل دادند و هر اتفاقی در هر گوشه شهر رخ داد به سرعت خبرش را بگوش رفقای ما رسانند. تنگ جا سوسان دشمن را که احیاناً هنوز باقی مانده بودند در کوجه و خبا بان و خانه ها شان معرفی کردند، جوانان به ما رفتن سنگر، بهرتاب سراهی، بهرکردن خشاب های خالی رفقای ما در سنگرها و... بهر داد و خستند و هیچکس از هیچگونه همکاری دریغ نرورزید، و همین هم بود که جایبان حرفه های دریا و ولایت فقیه پس از عقب نشینی ما با مردم این محلات رفتاری کردند که روی رفتار مغولها و سالدا تهای روس با مردم ایران را سفید کرد.

دشمن وقتی مزدوران خود را در شهر آمل کما علنا بود شده یافت، کوشید تا از گوشه و کنا ر منطقه هر چه میتواند سیر و گزرد آورد و با سرعت دستها جکی تمام انجمن اسلامی های تمام شهرها و روستا های منطقه و او با ش حزب الهی اش را از همه شهرها با وانت و مینی بوس و... به اطراف شهر گشاند، نیروهای شی که گرد مساطق استقرار را گرفتند از با بل، محمود آساده، با بلسر، ساری، قاشمشهر، بهشهر، شیرگاه و... بدانجا گشانده شده بودند و عزاداری ها و تشییع های بعدی معدومینشان نیز نشان داد که بجهت وستی به سیخ نیرو پوراخته بودند. دیوانه عقده ای ها، غفاری با ۳۰۰ نفر از جماعتداران حرفه های اش، بوسیله هواپیما از تهران خود را به آمل رسانده بود، و با چنین نیرویی که به مرز ۳۰۰ نفر مسلح و مجهز در پیرامون و درون شهر میرسد با صلاح حمله به ما و در واقع سوزاندن و غارت کردن خانه های مردم را شروع کردند. تمام سربداران لرزه بر اندام این جایبان می افکند، حزب الله کتا کنون یکی دوبار ضربت سربداران را چشیده بود و خیلی از نورچشمی های پیش را در رویا روشی با دلاوران سربداران دست داده بود، و در اینجا دیگر تشنها سربداران هم نبودند که با بدبسته جنگتان میرفت، مردم دلاور آمل نیز در سیوندنا گشتنی با فرزندان سربداران در میدان بودند، پس ما بدهم از مرده زهر چشم گرفته میشد، هم دورا دور با سربداران درگیری میشد، هر دورترین نقاط شهر از مناطق استقرار نیروهای ما، بر سر خیابان های اصلی سنگر ما خستند و شیرباز و کالیبر ۵ گذاشتند و بطور بی هدف همه چیز را دورا دور به آتش بستند و زیر حمایت این آتش اراذل حزب الهی به خانه و زندگی مردم حمله ور شدند. ابتدا در حیات خانه ها تا رنجک می انداختند که بسیاری از خانه های مردم منفرشت، با آتش گرفت، سپس وقتی مطمئن میشدند کسی در آن نیست نزدیک شده، در را شکست و بر روی پشت با منگرمسا خستند، در چند مورد کمانی را که ما نسیج ورود آنها به خانه ها شان میشدند در گیار بستند، از جمله پیرزنی ۷۰ ساله را، چنانا تا ایسان در حق مردم در مناطقی پیرامون محلات استقرار ما روی جنگیزبان را سفید کرد. بعد از ظهر روز ششم خبر از محلات وحشانه ایسان به مردم سوزاندن

نهایش را مردم ما در میگردند، به محاکمه کشیده شده مجازات لازم را دیدند، از این دسته ۲۳۰ نفر با رای و تصمیم مردم بوسیله نیروهای ما اعدام گردیدند، درست یک ساعت پس از آغاز عملیات ما تمامی شهر آمل از آلودگی کثافات سپاهیی و حزب الهی پاکسازی شده بود، و کچه ها و خبا بان های شهرتاند سنت و صاب پذیر مردمی بود که دیگر سنگینی خفه کنند، جنگال جا سوسان خمینی را بر طبق خود ص نمیگردند، ما قصد داشتیم مقرهای دشمن نظیر صباها سداران، بتیج، بیدا، دگسه انقلاب، وروابط عمومی، را نیز بر سر موجودات پلییدی که در آنها لاند گرفته بودند و بران ما زیم، لیکن مسئله و ج بود زندانان سیاسی در تمام این مقرها و احتمال آسیب رسیدن به آنان ما را بران داشت که این مقرها را تنها محاصره کرده به مجازات عناصری که بزای کمک بدانجا روی می آوردند، با آنجا خارج میشدند، بهر داد زیم و چنین شد، ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب محافظین و نگهبانان این مقرها نیز همه به سزای خیانت های خود رسیده بودند. شیرباز با لای سیخ سیرباز رچی و اطاعتکش هم با یک موشک آرپی جی دود شده و به هوا رفته بود و دیگر هیچ صدائی از هیچیک از این مقرها نیز بیرون نی آمد. از این پس ما در چند محله شلوغ و پر جمعیت شهر: قادی محله، اسپه کلا و رضوانیه مستقر شده و به کار تبلیغی پرداختیم، سرعت برق انجمن های اسلامی و درودیوارهای بسیاری از خبا بان ها و کوجه ها از عکس های رویاها ن جمهوری اسلامی، خمینی، بهشتی، رفسنجانی، رجائی و... با کمازی شده و اوراق تبلیغاتی و پوسترها شان در وسط خیابانها به آتش کشیده شد، و شعارهای "مرگ بر خمینی"، "زنده باد آزادی"، "زنده باد سربداران"، "یا مرگ یا آزادی" نقش آفرین دیوارها گردید و با ننگ بر نظین "مرگ بر خمینی" در کوجه و خیابان پیچیدن گرفت.

استقبال مردم قهرمان آمل از این حرکت ما و شرکت فعالشان در آن ما فوق تصور خود ما بود، برای نمونه بگوئیم سنگربندی های محلات و کوجه ها و خبا بانها که ما در آنها مستقر بودیم حتی یک موردش توسط سربداران صورت نگرفت، همه سنگرها را مردم و بویژه جوانان بستند، از همان لحظات اول جوانانی از ما طلب اسلحه مینمودند و ما نیز کسه در جریان پاکسازی شهر مقادیر قابل توجهی سلاح بدست آوردیم، برخی از آنها را مسلح کردیم، شور و ضعف ناشی از ورود سربداران به شهر در همه جا دیده میشد و همه جا و دل آماده همکاری و یاری بودند، و جوانانی در همان آغاز کار به همسنگران همیشگی ما تبدیل گردیدند.

خمینی خبا ننگار خیلی میکوشد از مردم ما جا سوس و خدا انقلابی سازد، اما شرافت این مردم بر شرافت است که همه تلقینات زهر آگین این یک مشت ملای جلا و آبرو باخته هیچ تا شیری بران بگذارد، خائنین شبهکاری که دشمنی شان با آزادی و آزادگی و دلباختگی شان به جهل و فساد و پیکرانی چشم بشریت را خیره ساخته است، خیلی میکوشند مردم دلاور آگاه

بیانیه قیام ۰۰۰

در طول این جنگ ها تا آنجا که ما تا کنون توانسته ایم بشمریم حدود ۲۳ نفر از مزدوران سیا های، نیسیتی، و حزب الهی به اقامه، یک گشتی ۳ نفره، انجمن اسلامی پلیس که مسخو است به کمک بمبج بیاید، گشته شده اند و تعداد زخمی ها بیش از ۵۰۰ نفر است.

حزب کثی که ما در آن مل بدان دست زدیم نه تنها خود مسل و نه تنها میزبندان و غطه شمال که شما می ایران را تحت تا شرف قرار داد، و به دنیا نشان داد که فرزندان دلاوران این خلق ما که ما فرزندان در ضرر دبا این ما بدخان و خونخوا رهپیش بنا زند و عدل فرست مردم ما از این خاشین تبهکار را که است. و ما این را ستوانیم با اطمینان که ما مل بگوئیم که امروز دیگر سرداران ایران در فکر و ذهن و قلب توده شی بزرگ از مردم این کشور زینت میکنند و این دستا وردی است بس عظیم و توشه سنا ز خبردهای عظیم تر ما در آبنده ما دستگا، و فاسدا و هریمشی اینسن شیره، تا پاک عفاک و حجاج بن یوسف. و درست در تلاش بستن همین درهای امید و اعتماد توده بیروی ما است که جبنااران و جا سومان حاکم بر تر نوشت خلق، مدام از نا چیزی، تا دانسی، نابودی، تا مل بیگانه بودن و... ما میگویند. پنجم بهمین، ششم بهمین میشود، بهمین نه ما قیام خونین خلق ما، انقلاب ما و مردم میشود، تعداد ما به ۶۰ یا ۱۰۰ نفر محدود میگردد، مردم نه در کفنا ما، گدرو بیروی ما قرار میگیرند، همه کشته و اسیر میشوند و... بدون اینکه هرزه در این دروغ و کوساب کنند خود دچار چه نقیضه گوشش غاشی گشته اند.

رفسنجانی ایله میگوید: "مردم مل بیگانه چنبا ما بودند و اینها را بیرون ریختند، اگر سها وارثش اینها را بیرون ریخته بودند برای ما اینهمه ما به خرسندی نبود ما در کجنا میتوانیم ۶ نفر اینها را جمعی گیریم و بریم (نقل بمعنی از صحبت های رفسنجانی در این مورد)، و کسی هم نباید از او بیرون بریم؛ اگر اینها جمعا ۶ نفر بودند تو ما مردم شهر هم با شما بودند سها و بسیج و حزب الله هم در صحنه بودند، توده ای و اکثریتی هم که بیروال همیشگی شان دم درگاه قدرت دم می جنبنا نندند، صدها بیروی سیا هی و نظا می هم در اطراف جنگل چند کیلومتری شهر در اختیار داشتید، دیگر چه لزومی داشت اینهمه نیرو را زور و به شهر و محمود آبا دوبا بل و با بلروساری و روستا های منطقه به شهر بیا و برید؟ اگر مردم با شما بودند و اینها هم ۶ نفر فراری، ها دی عفا ری دیوانه زاپاه ۳ نفر چما قدا ر مجنون چرا از ضهران فرستا دید؟ شما چه کسی را میخواهید گول بزنید؟ مردم را؟ هیها ت، تنها میتوانید خود را با این دروغ های اسلامی شان دلخوش کنید و بکنید کسه آنچه با یسته است بر سر شان خواهد آمد.

غیبه بزرگ خمینی خاشن میگوید: "... دیدم مردم مل چند بیروزی آن آورده؟" و گله میکند که: "رسانه های گروهی دشمن از این موضوع (قیام مل) گذشتند و هیچ نگفتند، اینجا که به نفع ما بود هیچ نگفتند."

خمینی درست همانند همدر فاشا در آخرین روزهای هیات نکبت با رش، خودش را به حماقت میزند، گوئی که این لژمه، این برهه، زندگی جباران تاریخ است، و هم قیام دلاوران، مردم شیربیرا، آشوب مفضی خاری که شما سنا م ایران را در جیب شان گذاشته بودند، میخواهند، خمینی هم میخواهد او شود که علت سکوت رسانه های گروهی

خانه ها و ریکا ریستن در جمعیت ها بسیار شد، از سوی دیسنگر نیروشی که ما در آنجا آرایشی داده بودیم، از لحاظ کسی بنسنا نیروشی که دشمن بهر بر ما آورده بود بسیار متفاوت و بنا بر سر بود، این شد که عمرگا و روز ششم تصمیم گرفتیم حزب الله را به باغ های اطراف شهر کشیم و اینجا را کردیم، قهرمانان سریدار با تا کشیک تنها جمعیف نشینی و گشتا رسیاری از جا سومان حزب اللهی و سها در کوجه ها و محلات استقرار خود آرام نیروهای دشمن را به باغهای سمت جنوب شهر رساندند، در این جریان عقب نشینی رفقای دلاور مسنا نهرمانی ها شی از خود بیروزا دادند که برای شما ما انقلابیون جهان شورش و شمشق ساخت، پس از این عقب نشینی و در این باغها بود که مصاف واقعی صورت گرفت که فریاد الا ان حزب الله به آسمان بلند شده بود و هیچ حزب الهی بفریاد حزب الهی دیگر نمی رسید، تنها صدای "حزب الله عقب نشینی، حزب الله عقب نشینی" بود که شنیده میشد چون موش گای گسور زخمی آنها شان که زنده مانده اند به سوراخ های خود خزیدند، عقب نشینی از ما بود و فرار از آنها، از این منطقه ما دیسنگر به محلات بازگشتیم و تا صبح روز هفتم با زچندین سنگسار مزدوران سیا هی را با گسای کردیم و در ما به این عملیات سراکنده، ما امنیت کامل به جنگل بازگشتیم، در طول شما ما مدت ارشامکا و روز پنجم تا صبح روز هفتم تعدادی از رفقا سها ما در ضرر دبا مزدوران خمینی به شها مت رسیدند، که این صده رفقای شیربیران شده، ما را نیز در بر میگیرد، همه رفقای که بلقا جله همان روز هفتم جلوی جوخه اعدام قرار گرفتند، رفقای زخمی ای بودند که تا آخرین گلوله در سنگرها شان نفا و مست کرده و جسم بیروشان به جنگ آدمکشان رژیم سفاک خمینی افشا ده بود، اینها بدون استشنا، حرکت، میگ با چند زخم در بدن اند، دوسه بین دلیل هم هیچکدام ما مکان سر با اینستاد نداشتند و مهربان عدل اسلامی خمینی آنها را بر مندانسی نشانده اعدام کردند، ما رفقای ما در همان حالت دلبرانسه و سینه بر کرده ریکا ر جوخه اعدام را نیز پذیرا شدند، چرا که سها سمان مست نبودند، در راه دفاع از خلق جان خود را به هیچ سکیبرد و چنین کردند، اینان ستارگان همیشه تا بان آسمان بیگانه و مقاصد خلق دلاور ما بند، ما مویا دشان جا و دانه ساد ما در آبنده زندگینا به تک تک این رفقا را که دشمن از سسور حاشا زی در راه خلق، در راه زحمتکشان، در راه طبقه کارگر تهران ایران است، در اختیار همگان خواهم گذاشت، یکی از رفقای شهید ما را این جانبا ن تبهکار رهپیش چشم سسور مردم زنده زنده به پشت و انت بستند و در خبا با آنها کشیدند و تکه تکه اش کردند با بلکه از ما و از خلق ما زهر چشم بگیرند، ما هیها ت، چه دلجست تقاسم این جنبا تا را از آنان خواهم گرفت، آن روز دور نیست، سه شرافت سریداری سوگند که آن روز دور نیست، خون این دلبران را از زیر ناخن ها شان بیرون خواهیم کشید، از سر نوشت خمینی خاشن و داور دستهاش میرشی خواهم سها ساخت برای همه، مرتجعین آبنده تاریخ.

سابقه قیام...

تعیین سرنوشت مردم

قوانین اسلام آنگونه که در متن تشریحات دین منظور گردیده
 منزلی وضع نشده، بلکه تفسیری وضع شده است. اصطلاحی -
 پیرامون انقلاب اسلام: منظور از منزل، موقعیت های
 متغیر تاریخی است. مثالی که ایشان برای شواهد استدلالشان
 از آنجا میزنند جالب است: «تاریخان داهما در حال حرکت اند
 ولی آیا مدار آنها در حال تغییر است؟ (همانجا). ایشان
 در ضمن قبول حرکت ستارگان که آنهم صرفاً حرکت مکانیکی آنها
 منظور دارند، میگویند مدارها در روزها ثابت است. از این
 نمونه برداشت میکنند که راه فعلی و سعادت بشر ثابت است و
 اسلام بیانگر چنین راهی است. در صورتی که علم امروزی ثابت
 کرده است که مدار ستارگان نیز در حال تغییر است. اگر چه
 تغییر بیضی - میباشد. لذا در منظوری که آقای مطهری دنبال
 میکنند با این مثال ساده توجیه میگردد، و نه آنکه راه تعالیسی
 بشریت را ثابت است. در مقطع های متفاوت تکامل بشریت
 راه سعادت یک طریق است و در مقطع بعدی طریقی دیگر. یعنی
 اگر در یک زمان، نفی چندخدایی و قبول وحدانیت، نوعی ترقی
 برای بشریت است. در عصر ما نفی دین و الهیات منشاء
 افکار مترقی و راه سعادت بشری محسوب میگردد. اینجاست که
 تفکر دمیان علم و دین ثابت میگردد. بقول شادروان ارنای:
 "مذهب هر چه را که در طبیعت می بیند با تصورات و خیالات بس آن
 شاخ و برگ میدهد، در صورتیکه نتایج، تمام ملاحظات خود را
 ابتداء حرج آوری نموده، ترتیب داده، طبقه بندی کرده، تجزیه و
 ترکیب می نماید و از روی آنها توانش کلی علمی را استنباط
 میکند" و "هر محقق علمی... میگوید: شعوری ها (علمی) حق
 ندارند ادعای اهدیت بکنند، ولی در مذهب اینطور نیست، و
 عقاید مذهبی در قواصل لایتنای ازمجان و مکان ادعای محبت
 را دارند" (علم روح - ص ۲۲۴)

در مذاهب مختلف، ما شاهد کوشش های گشودن نیست در
 سرکوب علم بود ایم. در مذهب مسیح، پاپ پی نهم در سال
 ۱۸۶۴ مکتوب فوق العاده ای انتشار داد که بزرگترین کشفیات
 علوم طبیعی را دیوانگی و معصیت خوانده و آزادی وجدان را
 محکوم کرد. قرآنی آتش شدن جوردا نوبرونو عالم ایالتی،
 نمونه، با رزتا ریخی تفاد علم و دین میباشد. در کشور خود میمان
 نخست ها بی چون بوعلی سینا و غیا مبخاطر عدم تطابق نظریات
 علمی آنان با قرآن تکفیر میشوند. چنین است که در بین
 سنیواند در کنار علم باقی بماند و برای حفظ خودنا چسار از
 سرکوب علم است. ملاحظه میکنیم که حکومتی که دین را مبنای
 سیاست خود قرار میدهد به همین دلیل قابلیت یا سخگوشی
 نیازهای ترقی بشر را در آن نبوده و لذا از نظر منافع مبادی و
 سنوی اشمان، حکومت دینی قابل قبول نیست.

ثانیاً ادیان و مذاهب گوناگون علیرغم دارا بودن وجوه
 مشترک، نمیتوانند یکی شوند، چه هر یک خود را حق و دیگری را
 باطل میدانند. و هرگونه یکی شدن مذاهب بمعنی نفی یکی به
 نفع دیگری است. و لذا نا بود کندنده اما س دین و مذاهب مختلفه
 نقیه در صفحه ۶

امپریالیستی در مورد قیام آمل، این بوده که قیام مبروریم
 اوها شمه یا آفته است، اما خودش هم در مورد تیرخی از مسائل این
 قیام سکوت میکند. آیا اینهم بهمان دلیل است؟ سریداران
 ایران تاکنون چندین اعلامیه را طالعیه، نظامی داده اند و
 اهداف و مواضع و خطوط تما برخود را دیگر سربوهای سیاسی را
 روشن ساخته اند و اتحادیه کمونیستهای ایران بصراحت اعلام
 داشته که، این سازمان ببتکروپا به کدار چنین جریان سیاسی
 دمگراتیک و انقلابی است و اینجا نیز اعلام میداریم که علیرغم
 پیوستن برخی از اعضاء و هواداران پارهای گروه های دیگر به
 جریان سریداران، هنوز هیچیک از سازمانها و گروه های
 سیاسی ایران بصورت تشکیلاتی در شهت سریداران شرکت
 ندارند. اما با همه این تفاسیل، خمینی، رفسنجانی، آن
 جوه فاشیست سیاسی و همه، عمال مظالمه هر چه میخواهند
 میگویند و هر کجا میخواهند سکوت میکنند.

راست این است که هم خمینی، هم کارگزاران دربار
 ولایت، نفییه و هم راهب های امپریالیستی همه در باره این
 قیام سکوت کرده اند، چرا که این قیام و حرکت قیام مگساران
 سریدار به زیان تمام است، نه که بمردیکی و به زبانی
 دیگری. این قیام نه حرکت مثنی سلطنت طلب است که را دیسو
 بختیا رخیا ننگار و روادیا و ویسی جلدورا دیوا مریکای جها نغوار
 برایش سینه چاک دهند، این قیام نه حرکت دارو دسته خمینی
 و ملایان خود فروش حاکم برایان است که را دیسو سکوره را دیسو
 با کوورا دیوملی سرایش مدینه سرایش کنند و جاسوسان
 شناخته شده و آبرو باخته توده ای - اکثریتی برایش سنگسار
 بکنند (کاری که در آمل و در خدمت سپاه پاسداران، فعلاً شرا زهر
 حرب الهی میکردند). این قیام نه حرکت حزب جمهوری اسلامی
 است که هر یک از قدرت ها و با قدرت های امپریالیستی منافع
 خود را در حاکمیت جناحی از آن ببینند و نقطه تلاقی امید
 جها نغواران شرق و غرب باشد. این قیام متعلق به طبقه
 کارگر قهرمان ایران، متعلق به زحمتکشان رنج دیده و غارت
 شده ایران و متعلق به تمام مردم ایران است. این قیام
 متعلق به تمام آنهاست که استکلال میهن و آزادی خود
 را با هیچ چیز مالمه نمیتکنند و طبیعی است که هیچ یک از
 قدرت های امپریالیستی غرب و شرق برای خود میسری در آن
 نبینند و در مورد آن سکوت کنند. آری، آقای خمینی، شمساً و
 آنها همه در برابر قیام آمل یک موضع دارند و یک رده دشمنان
 تولید و تنهکا مردم ما شید، سکوت و یا وه سرایشان نیز برای
 مردم ما به یک اندازه بی ارزش است. نه کسی را فریب خواهد
 داد و نه راه امید برای شما خواهد گشود. قیام مکران آمل راهی
 را آغا ز کرده اند که به حکم تاریخ و به امر زحمتکشان این سرز و
 بومها پیدتا بیان طی شود و نقطه پایانش نابودی حتمی
 شما تقالدهای سنگین و عفونت گرفته، عمرنا مرا لدینشاسی
 است.

هر چه پیروزی خلق بی تردید بر ما این میهن بلادیده
 افراشته خواهد شد و با زوی پرتوان سریداران ایران در
 افراشتن این پرچم نقشی بزرگ ایفا خواهد کرد. این پیمان
 است که با تک تک شهیدانمان بسته ایم، و این دینی است که
 زحمتکشان این مرز و بوم به گردن ما دارند.

- ۱! پیروزی با قیام مسلحانه سریداران ایران!
- ۲! افتخار بر مردم دلاور آمل!
- ۳! جاودان با دیا ضهدای قهرمان قیام آمل!
- ۴! سرنگون باد رژیم خودکام و تنهکا رخمینی!

بقیه از صفحه اول

تعمین سرنوشت

همه میدادند که ما رکسیست ها با حکومت دینی مخالفیند. لکن پیرامون اینکه زاویه مخالفتشان با این مسئله چیست و در نگاه تاریخی را دربر میگیرد پیرایه چه استدلالاتی استوار است. کمتر سخن گفته شده و آگاهی زیادی نسبت به این مسائل موجود نیست.

روشن است که جهان بینی کمونیست ها برپا به سویالیسم علمی یعنی مارکسیسم لنینیسم استوار بوده و بنیاد فلسفی مارکسیسم لنینیسم نیز ما تریا لیسیم دیا لکتیک میباشد. این بنیاد فلسفی مطلقا لامذهب و مخالف هرگونه دینی میباشد. ما رکس میگوید: "دین افیون مردم است" و نیز: "از میان بردن دین، که بمناسبت به خوشی توهم آید مردم صیبا شد، بمناسبتی درخواست خوشی واقعی آنان است... بنیاد برای این اشتقاق از دین یعنی نفی سیل انگ مردم" (جلد ۳ - کلیات آثار مارکسی و انگلی - ص ۱۷۶)

لیکن کمونیستها هیچگاه خواهان اعلام جنگ علیه دین نبوده و روش مبارزه با دین را اساسا نه در روشی با دین، بلکه در مبارزه طبقاتی خودتوده مردم و تاجران علمی کشته بواسطه آن کسب میگردند، میدانند. مارکسیست ها علیه تفکیک مذهب مردم مبارزه مینمایند و با توضیح اینکه مناسبات میان مردم، میان ظالم و مظلوم، میان حاکم و محکوم، نه بر اساس دین و مذهب بلکه برپایه منافع طبقاتی و مبارزه طبقاتی استوار است با تفسیرهای دینی و مذهبی که پایه های خود را بر تصورات و خیالات بنا نهاده است، مبارزه میکنند. علمبرغم بورژوازی های "لامذهب" که علت وجودی دین را معدوم نموده آگاهی انسان میکنند. مارکسیست ها دین را زایل شده افکار بشر که در برابر بلایا و مشقات طبیعت و مناسبات طبقاتی قادر به توضیح درست و راهیابی برای حل این معضلات نمیشد، میدانند. علت اساسی وجودی دین از نظر مارکسیسم ناشی از بلایای طبیعی و در شرایط سخت و دشوار زندگی اجتماعی و عدم توانایی توده زحمتکش در برابر فشار روستمگری طبقات حاکمه ظالم نهفته است. و تا زمانی که این دشواریها و مشقات زندگی بشری از طریق مبارزه آگاهانه و با برنامه توده های مردم زمین نروند، علل اجتماعی وجودی دین باقی خواهد ماند.

لنین میگوید: "تاریخ، خدا یا ن را آفرید". تریس از قدرت کور و ناشناخته سرمایه، جیباول، گرسنگی و بلایای طبیعی، و بشری برای ایجاد دین و دفاعی خود در برابر این مشقات و رنج سازهای معنوی و تحویل به عوامل تسلی دهنده، در شرایط عیب مانندی علم به دین رجوع مینماید. دین در شرایط عیب عقب مانندی علوم و دانش وسیله ای بود برای بشر تا رابطه خود با طبیعت و سبب رابطه میان انسان ها را توضیح دهد. ایسین است بختها تاملی نظرات سویالیسم علمی پیرامون دین.

در عین حال سویالیسم علمی مخالف حکومت دینی است و معتقد به جدایی دین از حکومت است. اولاً بدین لحاظ که از نظر سویالیسم علمی دین قادر به پاسخگویی صحیح به معضلات و تقاضاهای انسان و طبیعت و نیز مناسبات میان آنها نیست.

البته مدافعین دین چنین با وژی نداشته، بلکه ادعا دارند که "قانون خدائی است که از قبل از ولادت تا پس از مرگ و از نخست سلطنت تا ختمت تا بیوت هیچ چیزی از جزئیات اجتماعی و فردی را فرود گذار نکرده است" (کشف الاسرار - ص ۲۲۸ - خمینی). از نظر مدافعین حکومت حاکم نیز قرآن کتابی است که به تعالی ایسین مسائل پاسخ های لازم و بیاراهنما شای حل این مسائل را داده است. و از این رو ولایت فقیه از تجاشی که ادعای قابلیت با سخگوشی به تمام معضلات بشری و طبیعی را دارد، خود را بوجه شمرده و تنها راه سعادت بشر را تحت حکومت دینی قلمداد مینماید لیکن میدانیم که دین برای اینکه صحیح باشد میبایست ثابت باشد، و در غیر این صورت مشروعیت و موجه بودن خود را از دست میدهد. در صورتیکه میدانیم هم بشر و هم موضوعات و مسائلی که در برابر بشر قرار گرفته - اعم از طبیعت و یا مسائل اجتماعی - دانشما در حال تغییر هستند. حال این تغییر در برخی موارد، مانند طبیعت، بصورت بطئی و در موارد دیگر مانند جوامع بشری بصورت سریع صورت پذیرد، فرقی در اصل تغییر نمی کند. بهمین جهت یک مکتب ثابت نمیتواند موضوعاتی که دانشما در حال تغییر است را پاسخ گوید. با زنده همین جهت است که در برابر مسائل دانشما در حال تغییر و با مسائل جدیدی که در برابر بشریت قرار میگیرد، دین بقا طریقت بودنش تا چار از متوسل شدن به پایه های رموز شرع و عیب و غریب تراست. عنصر عیب لبا فسی بهمین خاطر جزئی از دین محسوب میگردد. دین، بنیاد هکسایه معیولات و مبهمات میشود، از دیگر سو بقا طریقت این عدم قابلیت دین در حل مسائل دانشما در حال تغییر (بقا طریقت بودنش)، اعتقاد به قضا و قدر تا چار از تقویت شدن است. به همین اندازه ای که دین از پاسخ دادن به مسائل عاجز میماند، قضا و قدر قوت میگیرند. مثلا در پاسخ به اینکه چرا آنچنان شد و یا چرا! اینچنین؟ همه و همه بواسطه قضا و قدر توجیه میگردد: قدر الهی است، حکمت خدا اینگونه تقدیر کرده است و... با به هسای افسانه های افسانه های پهلوانان و اساطیر و روایات تخیلی در دین همه بر این عدم قابلیت آن در پاسخ صحیح به معضلات مختلف معانی استوارند. برای نمونه به یکسسی از احادیث معتبر شیعه رجوع میکنیم: "مضمون بسیاری از احادیث است که ولایت اهل بیت بر آب ها عرضه شد، هر آب که قبول ولایت ائمه معصومین را کرد شیرین و خوشنوا تر شد و هر آب که قبول ولایت آنها را نکرد تلخ و شور گردید". و ایضا همین مسئله را پیرامون تلخی و شیرینی میوه ها و بدبوی با خوش عطری گلها و... (بنقل از "تشیح علوی و تشیح صفوی" - دکتر شریعتی ص ۱۸۴)

همانگونه که می بینیم در میان مدعیان شیعه چنین استدلالاتی برای توضیح شیرینی و یا شور بودن آب و... آورده میشود، البته علم مروزی با رجوع به خصوصیات ذاتی آب شیرین و یا شور بطور کاملی این خصوصیات و عوامل تولیدکننده خصوصیات شیرینی و یا شوری آب را توضیح میدهد. بهر حال ممکن است چنین ادعاهای با مغز به نظر آید و یا برخی از مدافعین شیعه - منسوب به شیعیان علوی - آنها را منسب به شیعیان صفوی و لذا مزد و بشمارند. پس به نمونه دیگری از مدافعین معاصر مذهب حاکمی بر دایم که در ضمن ظاهر مخالف علم نبوده و بنوعی ادعای آنها نیز مینماید.

آقای مطهری در پاسخ به این سوال که تحولات زمسان و ثابت بودن قوانین اسلامی را چگونه توجیه میکنید، با مقداری بازی با الفاظ میگوید که: بقیه در صفحه ۴

مقاله از صفحه
 پیام اتحادیه

بهروان خویش را به سروانانتظار رویا نمالیت های عسادی
 روز مردای که مرگرتشل آنها را نبرد مسلح تشکیل میدهد
 دعوت میکنند راه انفعال و ناپا بودی سیاسی خویش را خمسوار
 بنکسند و محض سرهوار هوا داران خویش را به زپر شیخ دشمن
 میکساند آنها فردا سبت مورد لعن تاریخ و سازماندگان
 حرکت خویش را: خواهند گرفت .

بس سباید رعا . ای همه! انقلابیون طنزکار رگس و
 کمونیستهای کتورما . متحدان سبایدین پرچم تجات بخت و بیروز مند
 را که هم اکنون در جنات شمالی کشور سبایدینرا خستنده محکم بدست
 گیریم و محکم در اهتزاز ننگیداریم ، سبایدینرا دویکی کردن منوف
 بر آکنده ، خویش در زیر آن گسترش و پیروزی این قبا سبوسا را
 تخصص کنیم ، سبایدینرا با فزودن دستهای بکدیگر در جریسان
 ها دترین سبیدا امروز کشورمان سبایدینرا و افعی توده سبایدینرا
 تبدیل شده و سبایدینرا ، سبایدینرا آموزشهای رهائی بخش جهان سبایدینرا
 علی و انقلابیون راه و افعی نجات مردم و پیروزی انقلابدر
 کشورمان را نشان دهیم و همه مردم را در زیر رهبری طبقه کارگر
 متحد گردانیم .

پیروزی با قبا مسلحانه سبایدینرا !
 سرنگور با حکومت خونخوار و غیبا ننگا و خمینی !
 مرگ بر ابرقدرت های سفاک غرب و شرق - آمریکا و روس !
 برقرار با دیک نظام جمهوری و انا ملی و مردمی !
 به قبا مسلحانه سبایدینرا ، سبایدینرا سبایدینرا و سبایدینرا خویش را
 در خدمت گسترش و پیروزی آن قرار دهید !
 اتحادیه کمونیستهای ایران - ۸ دیماه ۱۳۶۰

تجربید . در ما حدتیا مسلحانه سبایدینرا در جنگل های
 شمال کدیبد سارمان مایینی اتحادیه کمونیست های ایران
 سازمان یا قشده است درسی این ارزبایی را نشان داده است .
 حکومت خمینی با کیفیت نازل و سبایدینرا سبایدینرا که در سبایدینرا
 سبایدینرا رگبری نیروها پیش علمدما نشان داده و سبایدینرا زدگی خویش
 را در عمل عیان ساخت . شکست مقتضای سبایدینرا مه محاصره و سرکوب
 ۲۲ آبانماه دشمن و طرز عمل رسوا و ضربه پذیرش در جریسان و دو
 در کسری ۱۸ و ۲۰ آذر و دومدی ماه پوئالی بودن این حکومت
 و نیروهای جنگی اش و همچنین نا استواری و هت و هما شکستی
 درون این سرورها را ثابت کرد . سبایدینرا سبایدینرا شکست آور
 معنوی و بعضا مادی مردم آمل و سبایدینرا و سبایدینرا و سبایدینرا و سبایدینرا
 عقب مانده ترس سواخی جنگلی از قبا ما و سبایدینرا مه جنگی ما در
 همین قاطعه کونا ما را مطمئن ساخت که قبا مسلحانه در خواست
 روز توده های مردم ما سبایدینرا با شور و شوق حمایت خویش را
 اعلام میکنند . مردم این سواخی در سرخوردن سبایدینرا سبایدینرا ما در
 کسبکوها و رفنا رهای خویش ستان داده اند که بی سرانسیسه در
 اشقا و گسرنی این سبایدینرا و سبایدینرا و سبایدینرا و سبایدینرا
 امکانات ابعای نقش و همچنین شرکت مستقیمتان در این سبایدینرا
 سبایدینرا سبایدینرا سبایدینرا در هر نقطه که آوای جنگی سبایدینرا
 سبایدینرا سبایدینرا استقبال رو برور شده است - به یک نقله سبایدینرا
 واقعی سبایدینرا سبایدینرا سبایدینرا سبایدینرا سبایدینرا سبایدینرا
 مطمئنم هم از نظر تنوری و هم از نظر شرعی ، عملی کوتا همان !
 ای رفیقان کمونیست و ای یوبندگان راه طبقه کارگر !
 امروز ما سبایدینرا یک واقعیت عینی و یک حسیه واقعیتی
 انقلابی در برابر حکومت سفاک کودتا است . راه سبایدینرا ان بختی
 راه ما مسلحانه ، راه اقدامات مسلحانه ، پراکنده و ترور فردی
 نیست . کتوده های را در نقش تماشاچی رها کرده و سرانجام سبایدینرا
 سرخوردگی بکشانند ، این شعله است که سبایدینرا دنیا خواهد دید که
 حرمس ختم نموده های ملت ما را که خواهد دادا دوا این مظهر سفاکیت و
 جنایت را سبایدینرا خلق خواهد فکند . این راهنجات انقلاب
 و کسوراست ، اما همچنین این بک دستاورد بزرگ جنسیست
 کمونیستی ما است : جهان کمونیستها هستند که سبایدینرا سبایدینرا
 سرور مندرا برافراشته اند و این خون آنهاست که هم اکنون این
 را در برای حرکت همه انقلابیون و آزادیخواهان مبین مساب
 هموار میکند و سبایدینرا

تجربید در سرخوردن سبایدینرا
 معسوب خواهد شد . این وجود اختلافات رفع شدنی در میان سبایدینرا
 مختلف دینی با عث بروز اختلافات میان اقوام و توده های
 مختلف بهروان این مذا هب شده و همواره نشانها را در حال
 تفرقه و انشعاب ننگه میداند . اختلافات موجود میان فرق مختلف
 اسلامی و عدم ملیت تقا هم وحدت آنها در کشور خود ما ، سبایدینرا
 با رزحین ننگه ای است . حکومت دینی ، آنهم ولایت فقیه
 شیعیان دوازده ماهی یکی از جوره بارز این دامن زدن سبایدینرا
 اختلافات میان فرق مختلف شیعه و سنی و غیره میگردد . لذا از این
 جهت نیز حکومت دینی حکومت مطلوب توده کارمردم سبایدینرا
 نمی تواند باشد .
 البته هر گدا ما از این نکات سبایدینرا و سبایدینرا و سبایدینرا
 است و سبایدینرا دیگری سبایدینرا سبایدینرا سبایدینرا سبایدینرا
 کرایش های مختلف در سرخوردن این مسئله وجود دارد که به لحاظ
 مقدودیت صفحات نشریه زاده آن در حال حاضر معذور هستیم .

بازیه نظامی شماره ۵

رزمندگان سبایدینرا این مقابله بی باکانانه خود سبایدینرا
 دشمن و ضرب سستی که با ر دیگر به مزدوران با ندحا کم نشسان
 دادند ، ثابت کردند که شعله ای را که سبایدینرا رگران راه خلق ، سبایدینرا
 ایها ما از خواست و نیاز توده های رن سبایدینرا سبایدینرا مردم خود
 برافروخته اند ، نه تنها خاموش شدند نیست که مدام سبایدینرا
 گسترش است و سبایدینرا سبایدینرا سبایدینرا سبایدینرا سبایدینرا
 سرکوب و فریب خودیسته با شد ، همان خواهد کرد که سبایدینرا
 فرستوت شا هشتا می کرد .

پیروزی با قبا مسلحانه سبایدینرا !
 ننگ و نفرت بر رژیم سبایدینرا و غیبا نت پیشه خمینی !
 سبایدینرا ۱۳۶۰/۱۲/۵

امروز ما کمونیستها با بدینبا خاسته و دلبران سبایدینرا سبایدینرا
 دشمنان مردم را در یکی از خطرترین لحظات تاریخ کشورمان
 سدوس گیریم و سدوش میکسرم . اتحادیه کمونیست های ایران
 وظیفه خود میدکند اس برچمر ایدوس کیرد و سدوش گرفت ، ولسی
 سبایدینرا های انحرافی و خودپرستی های موجود در جنبش ما
 مانع از انجام این شکلید تاریخی توسط همه ما گردد ! اکنون
 به تحقیق روشن است که هر جریانی در جنبش ما که در حال حاضر
 راهی جز از قبا مسلحانه برگزیند قطعا در برابر واقعیت سبایدینرا
 موجود که همه چیز را تابع تفنگ گردانیده ، خواهد با شد و سبایدینرا
 نخواهد یافت . آن رهبرانی که در شرایط تاریخی موجود

یادی از یک رفیق

یادی از یک کمونیست



یاد همیشه عزیز فاسم

بزرگان نیز از شهیدان خود در راه تنق
صی قهرمانان را کردند بیکدیگر
رفیقان این بزرگان را در راه تنق
با خون آنان می‌شکوه است پیش یوم

انقلاب دوم ایران است .
اما روحه جا نپسازنی
و آنچه جنبش کمونیستی
ایران از قاسم ها آموخته
است رهنمای این نهضت
در راهگشایی برای کتار زدن
ولایت فقیه و درهم کوبیدن
هسته دشمنان آزادی و استقلال
ایران خواهد بود . بذری که
قاسم ها افشاندند اند مردا در
قیام عمومی مردم ایران
شمر خواهد داد . چنانکه
طلابه های آنرا امروز در
تلاش آرمانخواهانه برای
ما زماندهی این قسام در
گوشه و کنار کشورش هدیم .
اتحادیه کمونیست های
ایران سوگند خورده است
که راه قاسم را ادامه خواهد
داد . در این راه تاریخ
سازسان بیرون شده های
خلق پیروزی را نصیب
آزادی و استقلال و سوسیالم
خواهد کرد و دیکتاتوری
ارتجاعی ولایت فقیه
عاقبتی بیشتر از دیکتاتوری
زرنحایی سلطنتی
نخواهد داشت .

شها دتش در راه دفاع از
دستاورده های انقلاب بهمن و
رساندن آن به نتیجه قطعی
یعنی برقراری جمهوری
انقلابی و فدا میربالیستی
توده های مردم ایران که تنها
با رهبری طبقه کارگر میسر
است ، گواه بارزی بر سلطان
این ادعاست . زندگی قاسم و
تعمام کمونیستهای که در
جبهه های جنگ تحمیلی شهید
شدند همچنین گواه برایین
است که آنها مدافعین واقعی
وحقیقت جوی این انقلاب
بوده اند و ولایت فقیه که
امروزه دشمن استناد در امر
کمترین مبارزین وارد
می آورد خود فقیه با این
دلیل دشمن حقیقی
دستاورده های دموکراتیک

راست که یکی محتوای انقلاب
و عظمت این تحول را درک
نمینمود و دیگری در برابر
رهبری نالایق و ذاتا تسلیم
طلب و قشری حاکم گزینش
میکرده مقابله برخاست و در
لحظه لحظه زندگیش نمونه ای
از یک انسان کمونیست را به
نمایش گذاشت .
اینروزها کودتاگران
ولایت فقیه که با برقراری
حکومت تروری وحشت و برهم
زدن اتحاد مردم ایران
میخواهند انقلاب را به بیراهه
کشانده و عاقبت آنرا به راه
تسلیم در برابر بر قدرت ها
بکشانند ادعا میکنند که
کمونیست های ایران دشمن
انقلاب بهمن بوده اند .
زندگی قاسم صرف زاده و

روز ۷ بهمن ۶۰ ، بکمال
از درگذشت افسوس با رفیق
قاسم صرف زاده میگذرد . رفیق
قاسم در حالیکه برای بازگشت
به جبهه جنگ تحمیلی و شرکت
در دفاع از زمین عازم
جبهه های آبادان بود در یک
تصادف اتومبیل جان خود را
از دست داد . در یکسانی که از
شهادت قاسم میگذرد انقلاب
ایران تحولات بسیاری را
شاهد بوده است ، او جگبری
مبارزه برای آزادی در اواخر
سال ۵۹ بمثابة عکس العملی
در برابر ارتجاع طلبی
خیانت با سران حزب جمهوری
اسلامی و بدنبال آن بیوستن
غضبی و حزب جمهوری اسلامی
به یکدیگر برای سازماندهی
کودتای ارتجاعی خردادماه
۶۰ از مهمترین این وقایع
بودند و بدنبال آن کودتای
سرکوب و ترور و اختناق رژیم
ولایت فقیه مشخصه اصلی
حکومت ایران شد .

قاسم صرف زاده چنان
خود را در راه نجات انقلاب
ایران فدا نمود ، او کمونیست
روشن بینی بود که قاطعانه در
راه سازماندهی انقلاب بهمن
کوشیده بود . سالهای
ما زماندهی در جنبش دانشجویی
شی و کمونیستی در داخل و
خارج از ایران صفحات
درخشانی از خدمات او به
انقلاب بوده و هستند و این
صفحات در وجوددها و مدها
کمونیستی که او در تربیت
آنان نقش ایفاء نمود منعکس
میشوند . قاسم بعد از انقلاب
بهمن در مبارزه برای ادامه
انقلاب بمثابة عضو از
رهبری اتحادیه کمونیستهای
ایران بد مبارزه پرداخت ،
قاطعانه با انحرفات چپ و

پیام اتحادیه کمونیستهای ایران خطاب به همه کمونیستهای ایران

رفقا! اتفاقاً و حوادث ایران حریانه‌های کمونیستی ایران! همه‌ها نظور که ما با رها تا کین کرده ایم. با کودتای خائشانانه خیمینی و دارودسته‌اش شرایط مبارزه، طبقاتی و ملی در کشور ما کیفیتاً تغییر یافت. مردم ایران با حاکمیت مطلق دارودسته، مرتجع و مزدور صفتی روپرو شدند که با تمام قدرت برای سرکوب عوامل محرکه انقلاب ۵۷ و دستاوردهای سیاسی، اجتماعی و ملی آن وارد عمل گردید. استبداد دسپاه مذهبی تمام‌مابسیاست تسلیم‌و خیا ننت ملی در مناسبات حکومت کودتا با ابر قدرت‌ها موقتاً سرکسور ما چیره گشت. طبیعتاً در این شرایط وظیفه مسلم کلیه نیروهای وفادار به اهداف مترقیانه انقلاب ۱۳۵۷ ایران بود که در برابر تهاجم خونین و مسلحانه ارتجاع به مقاومتی خویشین و مسلحانه دست زنند و با تمام قدرت در برابر سرکسوب انقلاب و سیر تهاجمی کنورما بسند.

بر این پایه، امروز ما کمونیستهای ایران بعنوان وجدان بیدار انقلابی ترین طبقه، جامعه و مدافعان بیکسیر آزادی با وظیفه عاجل و خطیری، روسو هستیم که همگام با تمام

سلاحه برای نجات انقلاب و کمور میباشند. تبدیل جنگ خیا سکاران حاکم علیه مردم، سخت مردم علیه خیا سکاران حاکم است. استت فوری ترین تکلیف انقلابی روز! بررسی اوضاع و احوال اقتصادی و سیاسی جامعه، وضع سیاسی و اجتماعی حکومت کودتا و وضعیت عینی و ذهنی مردم ما تا ما امکان سراه امتدادن سرفقانه، جنب جنگی را در لحظه حاضر و سرنگونی تیر آسز ارتجاع ندملی حاکم را ثابت میکند. زیرا امروز خیمینی و دارودسته، مزدور و سیش ار هر زمان با بحران فزاینده، اقتصاد و سیاسی شدید و روبرو شده و در انفراد سیاسی کاملاً عیانی قرار گرفته اند و همچنین دارای قدرت نظامی بکجا رجه و قابل اتکا نبی هم نیستند؛ حال آنکه توده‌های مردم ما بصیری و انتظار کاملاً محسوس و قابل رویستی از حرکت مسلحانه، واقعا ترقیخواهانه و متکی به خودشان که بر علیه این حکومت صورت گیرد و هدف فوری حوسر را سرنگونی این حکومت قرار دهد، پشتیبانی میکنند و برای بیوسین بدانی و گسترش ربه سر روزی رساندن آن آماده اند.

بقیه در صفحه ۹

بیانیه نظامی شماره ۵ سرداران

در نزدیکی محل استقرار رفقای ما پیدا ده کرد. پاسداران علی‌رغم اینکه محل استقرار رفقای ما را نمی دانستند بمجرده تروید آمدن بطور پراگند و بی هدف شروع بدتیراندازی کردند. رفقای ما که تا این زمان در فکر دستگیری کردن آنان بودند، ناچار به مخالفت با آنها شدند. در همان ابتدای کار دو نفر از آنها که بگ نعرشان رئیس سپاه پاسداران ساری بود کشته شده، دو نفر دیگر زخمی گردیدند و همه گریختند. با فراپاشان بسک سرورند دیگر از هلیکوپترها در فاصله ای دور تریک قبضه خمپاره ۶۰ میلیه کرده و از همان دور دهکده و تمام منطقه را بدخمپاره بستند. سری که در این جریان با کمک ارزنده کرد، وجود برت سنگین بر روی زمین بود که از انفجار اکثر کلوله‌های بمبار و جلوتیری میگردد. در اینجا رزمندگان سردار با توجه به اوضاع جوی و همچنین بخاطر جلوگیری از بروز خسارتی که میتراست با انفجار خانه‌ها و یا آتش سوزی در اثر برتسما ب خمپاره از سوی دشمن به مردم وارد آید، تصمیم به عقب نشینی گرفتند. این عقب نشینی ابتدای سوسی "علمده" آغاز شد و از آنجا که هلیکوپترهای دشمن مدا م بر فراز منطقه میچرخیدند ما یک ما نور نظامی و بدون هیچگونه تلفاتی به داخل جنگل سایان یافت. دشمن که میخواست با این سرنامه ضربت پنجم بهمن و رسوایی تبلیغاتی خود را با اطلاع جبران کند با ردیگر با از دست دادن تعدادی از آدمکشانش به عنوان دروغگوئی روسیا و دستگای لرزان و ناتوان ما هیت خویش را در برابر مردم ما بریان ساخت.

بقیه در صفحه ۹

پس از قیام پنجم بهمن آمل و ضربه ای که رژیم خاشسن خمینی اردست سرداران خورده، دستکاهای دروغ سردار و حیله گریها ندحا کم کوشیدند تا با وارونه جلوه دادن واقعیات، نهضت سرداران را با بیان یافته، خلق راهمراه خود و خود را غالب و حاکم مطلق وانمود کنند. اما با گذشت زمان، با روشن شدن تحقیقاتی های درباریان خیمینی و با آشکار گردیدن فیض و غضب این "قاتلان" دیروزى نسبت به "قاجه" ای که ما "چنان پتکاران" در آمل برایشان برداخته بودیم، واقعیات برهنگان روس شد. همگان دانستند که ضربه خوردکننده را چه کسی خورد داشت و آنچه دروغ و دغل دستگاههای تبلیغاتی این اعلام بساها ن رسوا گردید. مزدوران دستکاه ولایت فقیه که از این راه طرفی نیستند، بر آن شدند تا با ردیگر در جنگل ساس خود را آزمایش کنند و سیدین مسطور روز هیجده بهمن بخشی از نیروهای ما را در دهکده، ییلاقی "گزناسرا" با سلاح های سنگین مورد حمله قرار دادند. در این حملات که از ساعت ۱۰ صبح آغاز شد و حدود ساعت یک طول آنجا میدسه فرونده هلیکوپتر دشمن با تعدادی بسیاری نیرو که در جاده، معدن مستقر شده بودند و بوسیله هلیکوپتر به محل درگیری انتقال می یافتند، شرکت داشتند.

دشمن از ساعت ۹ صبح با هلیکوپترهای گنسنی اش منطقه را شناسایی کرده به برنا مهربزی برداخت و با لافره پس از آنجا م چند پرواز بر فراز دهکده، نزدیک ساعت ۱۰ بک فروزند از هلیکوپترها نیروهای خود را که همه سباهی پاسدار بودند